

عوامل تأثیرگذار بر تقابل دولت ساسانی با یهودیان و مسیحیان

بهرخ جمالی^۱

فرشته‌السادات حسینی بیجدنی^۲

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ - تاریخ قبول ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

دوفصلنامه مطالعات ایران کهن - شماره دوم، سال اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (شاپا ۲۴۷-۲۷۸۳)

چکیده

سرزمین ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و دلایل تاریخی از دیرباز جایگاهی برای پذیرش اقوام، ادیان و فرهنگ‌های مختلف بوده است. در همین راستا پیروان ادیان یهودی و مسیحی در برهه‌هایی از زمان ایران را محلی امن برای سکونت قرار دادند. به استناد منابع با روی کار آمدن ساسانیان و اعلام آیین زردشتی به عنوان دین رسمی کشور محدودیت‌هایی برای پیروان مذاهب ساکن در شاهنشاهی پدید آمد. اساس آگاهی ما از وضعیت یهودیان و مسیحیان ساسانی بخش‌هایی از تلمود، کتیبه‌های ساسانی، آثار نویسندگان ارمنی، سریانی و دوره اسلامی است که علاوه بر محدود بودن اطلاعات، حاوی گزارش‌های یک‌طرفه و بعضاً خلاف واقع در مورد برخورد سختگیرانه ساسانیان با پیروان ادیان غیر زردشتی است. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی در نظر دارد پاسخی برای این پرسش بیابد که وضعیت یهودیان و مسیحیان در دوره ساسانی معلول چه عواملی بوده است و آیا می‌توان تنها عامل مذهبی را مؤثر دانست؟ اعمال سیاست و گرایش‌های مذهبی برخی از شاهان ساسانی، نفوذ روحانیون زردشتی، رسمیت یافتن مسیحیت در امپراتوری روم شرقی، رقابت و دشمنی میان پیروان ادیان مختلف در جهت نیل به قدرت، علل مالی، رقابت و دشمنی بین امپراتوری روم و ایران از عوامل مهم و تأثیرگذار بر وضعیت اقلیت‌های دینی ساکن در مرزهای ساسانی است. با وجود این، یهودیان و مسیحیان به عنوان بخشی از منابع انسانی و اقتصادی حکومت نقش مهمی در جامعه ساسانی داشتند و با وجود دید یک‌سویه برخی از منابع به جز موارد و برهه‌هایی، در تعامل با دولت ساسانی بوده‌اند، از این‌رو خوانش مجدد و نقادانه و دور از تعصب منابع و روایات موجود ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: یهودیان، مسیحیان، شاهان ساسانی، روحانیون زردشتی.

^۱ دکترای تاریخ ایران قبل از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز - مسئول

jamalibehrokh@yahoo.com

^۲ دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

Fereshteh.hosseini7@yahoo.com

مقدمه

به استناد منابع با روی کار آمدن ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱م) و اعلام آیین زردشتی به عنوان دین رسمی کشور، تغییراتی در شیوه رفتار حکومت نسبت به پیروان سایر ادیان پدید آمده است. در این دوره علاوه بر ادیان و آیین‌های مَهری، زروانی، یهودی، مسیحی، بودایی و... آیین‌های نوظهوری چون مانوی و مزدکی رواج یافت. در میان اقلیت‌های دینی ساکن در شاهنشاهی ساسانی وضعیت یهودیان و مسیحیان در این دوره دچار فراز و نشیب‌هایی شده است. البته این پژوهش به دنبال بررسی موفقیت ساسانیان در پیاده کردن ایدئولوژی مذهبی‌شان نیست، بلکه غرض بررسی علل افت-وخیز رفتار با یهودیان و مسیحیان با توجه به مذهب رسمی ساسانیان است. با توجه به محدود بودن منابع برجای مانده از دوره ساسانی آگاهی‌های ما از این جوامع براساس اطلاعاتی از تلمود، متون ارمنی، سریانی، کتیبه کردیر، متون فارسی میانه و متون حقوقی است. منابعی که به شرح وضعیت مسیحیان پرداخته‌اند، عموماً عامل سختگیری و شکنجه مسیحیان را به تعصب روحانیان زردشتی و راست‌کیشی برخی از شاهان ساسانی نسبت می‌دهند. منابع محدود یهودی نیز از دوستی یهودیان و ساسانیان گزارش می‌دهند. از منابع ساسانی تنها در کتیبه کردیر به سرکوبی پیروان ادیان غیرزردشتی از جمله یهودیان و مسیحیان یاد شده است که در مورد عملی شدن آن نیز امروزه تردیدهایی در میان پژوهشگران وجود دارد. از این‌رو بررسی عوامل تأثیرگذار بر روابط ساسانیان با یهودیان و مسیحیان پرسش این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد مسیحیان و یهودیان ساکن در شاهنشاهی ساسانی انجام شده است، که تعداد کمی از آن‌ها به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. از جمله مقاله آمونون نتصر در «مقاله شاهان ساسانی در تلمود» (۱۳۵۱) به سیاست دینی شاپور یکم، شاپور دوم و یزدگرد پرداخته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «سیاست دینی خسرو

دوم» به قلم عنایت‌الله رضا (۱۳۸۱) به معرفی منابعی که در مورد یهودیان و مسیحیان ساسانی اطلاعات ارائه می‌دهند و بررسی سیاست‌های دینی خسرو پرویز متمرکز شده است. مقاله‌ای با عنوان «دربار ساسانیان و مسیحیان: مدارا یا تعصب» (۱۳۸۸) توسط علی محمد ولوی و صفورا برومند به توصیف مناسبات دربار ساسانی با مسیحیان در آثار مورخان و نویسندگان مسلمان پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «یهودیان در ایران» (۱۳۹۳) به قلم جیکوب نیوسنر وضعیت یهودیان ساسانی را بررسی کرده است. مقاله‌هایی با عنوان «افسانه پیگردهای دینی بزرگ در روزگار شاپور دوم» و «وضعیت و نقش سیاسی یهودیان در روزگار خسرو پرویز» توسط روزبه زرین‌کوب و جمشید قهرمانی در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است که در مقاله اول با نگاهی انتقادی روایات منابع مسیحی را مجدد بررسی کرده است و در مقاله دوم به نقش یهودیان در فتح بیت المقدس در دوره خسرو پرویز پرداخته است که هر دو مقاله بر دوره یک پادشاه متمرکز یافته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های مذهبی ساسانیان در قبال اقلیت‌های مذهبی و عوامل آن» توسط زهرا قلی‌خانی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی اقلیت‌های یهودی، مسیحی، بودایی، مانوی و مزدکی پرداخته است. اما از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت آن‌ها تنها به نقش روحانیون زردشتی و امپراتوری روم اشاره شده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «مسیحیت از ورود به ایران تا انتقال به چین» توسط سهم‌الدین خزایی و حسین محمدی (۱۳۹۸) به مسأله مسیحیت در ایران پرداخته است. هدف این مقاله برشمردن عوامل تأثیرگذار بر وضعیت یهودیان و مسیحیان در دوره ساسانی است.

یهودیان ساسانی

اولین موج مهاجرت یهودیان به ایران بر اثر حمله شلمانسر سوم (۸۵۸-۸۲۳ ق. م) صورت گرفت. موج بعدی به ۷۰۰ ق. م و حمله سناخریب (۷۰۵-۶۰۸ ق. م) به یهودیه بازمی‌گردد. روایات مختلفی در ارتباط با رفتار مناسب شاهان هخامنشی نسبت به یهودیان وجود دارد. درست است که سیاست تساهل مذهبی هخامنشیان بستر مناسبی را برای پیروان ادیان دیگر به وجود آورد ولی حداقل در مورد یهودیان، وفاداری به شاه،

عدم نافرمانی و پرداخت مالیات از عوامل مهم و تأثیرگذار بر روابط بوده است (رضی، ۱۳۹۰: ۱۵۹). وضعیت یهودیان در دوره اشکانی (۲۴۷ق.م-۲۲۴م) به سبب سیاست التقاط دینی و عوامل اقتصادی مطلوب بود. این دوستی تا آنجا بود که علیه دشمن مشترکشان یعنی رومی‌ها، متحد می‌شدند و حتی پادشاهان اشکانی برای یاری یهودیان لشکر کمکی ارسال می‌کردند (ویدن‌گرن، ۱۳۸۴: ۴۴). در مجموع یهودیان با اشکانیان به‌ویژه پس از تصرف فلسطین، پیوندی نیکو داشتند (فرای، ۱۳۸۸: ۳۷۳). یهودیان، شاهان اشکانی را مدافعان حقیقی خود می‌دانستند و معتقد بودند در برابر ظلم و ستم رومی‌ها، اشکانیان می‌توانند آن‌ها را از یوغ خارجی نجات دهند (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۳۲۳). در دوره ساسانی نیز یهودیان بخشی از جامعه را تشکیل می‌دادند. در تلمود از روابط نزدیک یهودیان و ساسانیان یاد شده است و در بیشتر مواقع آن‌ها در آرامش زندگی می‌کرده‌اند. از منابع غیر دینی پهلوی که در دوره ساسانی نوشته شده‌اند نیز به‌نظر می‌رسد، شاهان ساسانی با یهودیان به‌ویژه رهبران جامعه یهودی روابط نزدیکی داشته‌اند. چندین پیوند ازدواج مؤید این مطلب است (Daryaei, ۲۰۰۹: ۷۸).

ساسانیان در میان شهبانوان و کنیزکان خویش، زنان بسیاری از یهودیان و مسیحیان داشتند و البته جز در احکام تطهیر^۱، در باقی موارد در انجام آداب دینی خود آزاد بودند (بویس، ۱۳۹۱: ۱۷۰). متن پهلوی شهرستان‌های ایران اشاره می‌کند که یکی از شاهان ساسانی ثمره ازدواج شاه با زنی یهودی بوده است؛ همچنین از احداث شهرهایی توسط آن‌ها سخن گفته است:

«شهر خوارزم را نرسه یهودگان ساخت» (بند ۱۰). در بند ۴۷ همین کتاب آمده است: «شهرهای شوش و شوشتر را شیشیندخت، همسر یزدگرد، پسر شاپور

۱ - جدا نگاه داشتن زنان در ایام عادت ماهانه و نگاه نکردن به آتش در این ایام.

بنا کرد، چون این زن دختر رش گالوت^۱ شاه یهودیان و نیز مادر بهرام گور بود.» (جاماسب آسانا، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۲).

تلمود همچنین از نزدیکی ارتباط یزدگرد یکم (۴۲۱-۳۹۹ م) با یهودیان و احترام وی به خاخام‌ها و همسر یهودی یزدگرد یکم گزارش می‌دهد (Daryaee, ۲۰۰۹: ۷۸). دریایی عقیده دارد شاید بخشی از این سخنان حاصل تاریخ‌نگاری یهودیان بوده، اما تأکید دارد به گواهی تاریخ، تماس‌های میان ساسانیان و یهودیان انکارناپذیر است (ibid). خاستگاه یهودیان ساسانی بین‌النهرین بود. دهکده‌های یهودی بیش‌تر در منطقه بین‌النهرین، محل ادغام کلونی‌های یهودی با مرزهای سیاسی بابل، قرارداد داشت. این منطقه آشورستان بود که در زبان آرامی «بت آرامایه»^۲ نامیده می‌شد. خارج از بین‌النهرین، یکی از مکان‌های مهم برای زندگی یهودیان، ساتراپ نشین^۳ آدیابن^۳ بود (ویدن گرن، ۱۳۸۴: ۴۳). بخشی از مهاجرت‌های یهودیان به دنبال شکست روم از شاپوریکم اتفاق افتاد. به دنبال هرج و مرج ایجاد شده در مرزهای شرقی امپراتوری روم، گسترش مسیحیت، شورش‌های نظامی و هجوم اقوام بیگانه، یهودیان به مناطق غربی ایران مهاجرت کردند و به تدریج غرب ایران تبدیل به مرکز جهانی یهودیان شد. (جلالی‌مقدم، ۱۳۹۳ ب: ۴ / ۷۱۶). مسأله دیگر اینکه چون یهودیان، تبلیغ دینی نداشتند، برای زردشتیان دوره ساسانی تهدیدی محسوب نمی‌شدند (یاوری، ۱۳۸۴: ۵۸) برخلاف مسیحیت که تبلیغ و فعالیت مبلغان از اصول بنیادین آن است (خزایی و محمدی، ۱۳۹۸: ۸۴). شاید به همین دلیل یهودیان نسبت به مسیحیان، کمتر خطر ساز بوده‌اند.

^۱ - رش گالوت (Res Galut) همان رش گلوته (Resh Galutha) آرامی یا رأس جالوت به معنای پیشوای اسیران بابلی است.

^۲ -Bet Aramay

^۳ -Adiabene

مسیحیان ساسانی

جماعت مسیحی ایران که در قرن دوم میلادی در زمان اشکانیان شکل گرفته بود در دوره ساسانی طی قرن‌های سوم تا هفتم میلادی گسترش یافت. تسامح دینی همان طور که در دوران هخامنشی وجود داشت، در دوره اشکانی نیز سبب آزادی عمل مبلغان مسیحی در تبلیغ دین خود در ایران شد (خزایی، محمدی، ۱۳۹۸: ۶۴). از عواملی که در گسترش جمعیت مسیحیان در دوره ساسانی نقش داشت، عبارتند از:

۱- اسیران جنگی مانند اسپرانی که به فرمان شاپور اول در خوزستان اقامت گزیدند و شهری برپا کردند که گندی شاپور یا بت لاپات نامیده شد (ولوی و برومند، ۱۳۸۸: ۱۳۵). بنا بر کتیبه شاپور یکم بر کعبه زردشت، وی پس از پیروزی بر رومیان اسرای رومی را به داخل ایران منتقل کرد و در آسورستان، پارس، خوزستان و پارت اسکان داد (کتیبه کعبه زردشت، بند ۱۱ و ۱۶ تحریر پارتی) (Sprengling, ۱۹۵۳: ۲۱)؛ عریان، ۱۳۸۲: ۷۱). او به دلایل اقتصادی و جمعیت شناختی این افراد را در شهرهای کم جمعیت ولی حاصلخیز اسکان داد و از آن‌ها در کارهای ساختمانی و صنعتی استفاده کرد (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۴۹).

۲- آزادی دینی روزگار شاپوریکم (۲۴۰-۲۳۹ / ۲۷۰-۲۷۲م) که ظهور مانی و حمایت شاه از وی نمونه‌ای آشکار از آن است (Payne, ۲۰۱۵: ۲۴).

۳- گروهی دیگر از جمعیت مسیحی از روحانیون و مقامات بلند پایه مذهبی بودند که به سرزمین ساسانیان مهاجرت کردند (وینتر و دیگناس، ۱۳۹۸: ۱۴).

همانطور که گفته شد تعداد قابل توجهی از اسیران که در نواحی مختلف ایران اسکان داده شدند مسیحی بودند. به روایتی برخی از بزرگان دینی مسیحی از جمله دمتریانوس اسقف انطاکیه نیز در بین اسیران به چشم می‌خوردند (ولوی، برومند، ۱۳۸۸: ۱۳۵). بدین ترتیب جمعیت مسیحی ایران افزوده می‌شد. اما جامعه مسیحی ایران، اینک از دو گروه مسیحی بومی متأثر از فرهنگ سریانی - آرامی و مسیحیان تازه

وارد متأثر از فرهنگ یونانی تشکیل می‌شد که از نظر زبان و برخی عقاید دینی با یکدیگر تفاوت داشتند (همان). اسیران رومی در ایرانشهر واقع در خوزستان دوکلیسا داشتند که در یکی مراسم دینی به زبان یونانی و دیگری به زبان سریانی انجام می‌شد (خزایی، محمدی، ۱۳۹۸: ۶۶).

بر خلاف منابع یهودی که به سابقه دوستی میان یهودیان و شاهان ساسانی اشاره کرده‌اند، منابع مسیحی از دشمنی و آزار مسیحیان توسط برخی شاهان ساسانی و روحانیون زردشتی گزارش می‌دهند. بیش از ۴۰ اثر از روایات مذکور شرح می‌دهند که مراجع دینی زردشتی در هر فرصت ممکن مردان و زنان مسیحی را به علت هویت مذهبی‌شان بی‌رحمانه مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. در سال‌های اخیر تعدادی از پژوهشگران، انتقاداتی به تحلیل‌های سنتی از شهادت‌نامه‌های سریانی وارد کرده‌اند. از جمله نوشته شدن این آثار با فاصله زمانی طولانی نسبت به دوره شاپور دوم (قرن ۵ م به بعد) یعنی زمانی که کلیسای شرق تحت حمایت شاهنشاهی ساسانی قرار گرفته بود. از طرفی عمده نویسندگان این منابع متعصبان مسیحی بوده‌اند که نسبت به دین زردشتی که دین رسمی ساسانی بود رویکردی منفی داشتند و اغراق بخشی جدایی‌ناپذیر از گزارش‌های آن‌ها بوده است (زرین‌کوب، قهرمانی، ۱۳۹۷: الف: ۸۰-۸۱). بنابراین در مطالعات و تحلیل‌ها توجه به این نکته ضروری است که شرح وضعیت مسیحیان در منابع، توسط نویسندگان رومی و برخی متعصبان مسیحی نوشته شده است.

عوامل مؤثر بر وضعیت یهودیان و مسیحیان

با توجه به موضوع پژوهش عوامل تأثیرگذار بر وضعیت یهودیان و مسیحیان ساسانی به صورت ذیل دسته‌بندی شده است:

الف- سیاست‌های دینی شاهان ساسانی در قبال یهودیان و مسیحیان

به استناد منابع وضعیت پیروان ادیان غیر زردشتی در دوره ساسانی از ثبات برخوردار نبوده و فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است، به‌گونه‌ای که با روی کار آمدن هر یک از پادشاهان ساسانی امنیت و آرامش آن‌ها ممکن بود دستخوش تغییراتی شود. تذکره اربیل یا وقایع نامه آربلا اشاره می‌کند که مسیحیان ایران در آغاز پادشاهی ساسانیان، در امنیت و آرامش بودند و توانستند جانی نو بگیرند و در هر کجا پراکنده شوند (فصل ۸، ۶۸). اما به تدریج ساسانیان امیران محلی سرزمین‌های شرقی را عزل کردند و موبدان و مرزبانانی را برای حکومت گماشتند که مطیع فرمان‌شان باشند (همان: ۷۱). در ابتدای روی کار آمدن ساسانیان، اردشیر یکم (۲۲۴ - ۲۴۲ م) درصدد بود با ایجاد یک دیوان‌سالاری دولتی و تقویت سیاست تمرکزگرایی، با گماردن نمایندگان خود در ایالات کشور، در حوزه دینی هم یکپارچگی ایجاد کند. در این راستا اردشیر سیاست‌های جدیدی را در پیش گرفت. او در برخورد با پیروان سایر ادیان حق خودمختاری یهودیان ایران را که از زمان اشکانیان از آن بهره‌مند بودند، لغو کرد و تلاش کرد یهودیان را به آیین زردشتی درآورد. همچنین برخی از امتیازات یهودیان از جمله حق داشتن محاکم یهودی و مجازات برطبق شریعت یهود و اجازه دفن مردگان و برپایی آتش در آیین‌های پرستش را محدود کرد و دستور ویرانی کنیسه‌ها را صادر کرد. اردشیر همچنین نفوذ یهودیان در دستگاه حکومت را محدود کرد و برخلاف اشکانیان که در سیاست خارجی یهودیان را به‌کار می‌گماشتند، در این دوره یهودیان را کنارگذازد (نیوسنر، ۱۳۹۳: ۳/ ۳۵۲؛ گلزار، ۱۳۹۱: ۲۷۲-۲۷۳). البته اردشیر در ابتدای سلطنت با یک حکومت یکپارچه سروکار نداشت و هنوز بر بخش‌هایی از قلمرو اشکانی مانند کرمان، ارمنستان و ماد آتروپاتن، امیران محلی حاکمیت داشتند (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۲۹۱). از همین نکته می‌توان چنین دریافت برخلاف گزارش‌هایی که از بدرفتاری وی با پیروان سایر ادیان وجود دارد، اردشیر در عمل درگیر مشکلات داخلی بوده است و در همان بدو تشکیل حکومت فرصت رفتار سوء را نداشته است. بنابراین عواملی چون تعصب دینی، عدم تجربه کافی در اداره یک

دولت نوپا و تمرکز بر تحکیم پایه‌های قدرت بر رفتار وی با پیروان سایر ادیان تأثیرگذارده است.

روی کار آمدن شاپوریکم امنیت و آرامش را برای پیروان ادیان مختلف به همراه داشت. وی آزادمنشانه به همه دین‌ها می‌نگریست و هیچ‌گونه فشاری را بر پیروان دین‌های مختلف روا نمی‌داشت (شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۳۰). منابع یهودی از پادشاهی شاپوریکم به‌عنوان دوره آرامش و رونق کار و استقلال برای جماعت یهودی و روابط دوستانه و احترام رؤسای دینی یهودی نسبت به وی یاد کرده‌اند. این ارتباط تا حدی بود که هر کجا اختلافی بین رسوم یهودیت و قانون مملکتی پیش می‌آمد پیشوای یهودیان آن دوره (شموئیل^۱) دستور به پیروی از قوانین مملکت می‌داد، تا بدین ترتیب از اختلاف و برخورد یهودیان با دولت مرکزی بکاهد (نتصر، ۱۳۵۱: ۱۳). در مقابل شاپور نیز در رفتار خود با یهودیان انعطاف نشان می‌داد، چنانکه براساس تفاهم او با خاخام‌های یهودی، به‌شرط تبعیت از حکومت ساسانی و پیروی از قوانین عمومی و پرداخت مالیات آزادی رفت و آمد برای شهروندان یهودی تضمین می‌شود (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۶۴).

در مورد سیاست دینی شاپور یکم نظرات مختلفی مطرح است. از جمله آمونون نتصر معتقد است روابط حسنه شاپور یکم با یهودیان ناشی از سیاست التقاطی او در زمینه مذهب بود. شاپور در پی این هدف بود که اقوام، قبایل و مذاهب مختلف شاهنشاهی وسیع خود را زیر یک پرچم متشکل گرداند تا شاید از مجموع این عقاید دین واحدی پدید آورد. وی همچنین معتقد است دین مانی مناسب‌ترین دین برای تحقق یافتن این هدف بود (نتصر، ۱۳۵۱: ۱۵) برخی از پژوهشگران نیز این رفتار را ناشی از تجربه‌هایی می‌دانند که وی از شکست در جنگ‌های سوریه و آسیای صغیر به‌دست آورد؛ زیرا در این جنگ‌ها به دلیل عدم رضایت ادیان غیر زردشتی از ساسانیان، ساکنان این مناطق به رومی‌ها، دشمن سنتی ایرانیان روی آوردند و با دشمن شاپور هم پیمان

^۱Samuel

شدند (گلزار، ۱۳۹۱: ۱۷۴). در دوره شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) و جنگ‌های ایران و روم یهودیان بر خلاف مسیحیان به شاپور دوم وفادار ماندند و فقط معدودی از یهودیان که به ظهور منجی معتقد بودند، با مسیحیان همسو شدند. در همین راستا می‌توان به سرکوب یهودیان در دوره یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷م) و پیروز (۴۵۹-۴۸۴م) اشاره کرد که معلول اقدامات سیاسی همین یهودیان منتظر منجی بود که با چهارصدمین سال انهدام معبد آن‌ها تلاقی داشت. ویسهورف معتقد است سرکوب یهودیان را نمی‌توان نشانه عدم مدارای مذهبی شاهان ساسانی تلقی کرد چراکه در منابع ایرانی نیز از حملات یهودیان اصفهان به مغ‌های شهر یاد شده است (ویسهورف، ۱۳۹۰: ۲۶۴). به نظر می‌رسد سرشت منابع مکتوب در جهت روایات یک‌سویه است و در صحت آن‌ها تردید وجود دارد.

در زمان شاهان پس از شاپور دوم تا یزدگرد دوم، یهودیان از آرامش برخوردار بودند، چنانکه از بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۹م) به سبب خوش رفتاری با یهودیان به نیکی یاد می‌شود. در عوض در زمان یزدگرد دوم که بسیار متعصب بود، تعقیب یهودیان در سراسر کشور به شدت رواج پیدا کرد و در زمان پیروز وضع وخیم‌تر شد و تمام مدارس و تأسیسات دینی یهود در بابل بسته شدند و کودکان یهودی به خدمت مغان گمارده شدند (رجبی، ۱۳۸۷: ۵ / ۴۶۲-۴۶۳) و در نتیجه این فشارها، یهودیان به هند و عربستان مهاجرت کردند (ویدن‌گرن، ۱۳۸۴: ۴۸). حتی یزدگرد دوم در آخرین سال‌های حکومت خود برای پی مراسم سبت^۱ را ممنوع کرد (همان: ۴۶). در دوره خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸م) نیز گروهی از یهودیان از قیام بهرام چوبین (۵۹۰-۵۹۱م) که مدعی تاج و تخت بود حمایت کردند که به دستور شاه سرکوب شدند. در آغاز قرن هفتم میلادی یهودیان با امید و انتظار فراوان ناظر حمله ساسانیان علیه بیزانس بودند و شادمانه از فتح اورشلیم استقبال کردند (ویسهورف، ۱۳۹۰: ۲۶۴). در مورد برخورد

^۱ مراسم سبت یا شب‌ت: شنبه، روز تعطیلی مذهبی، ترک کار، استراحت و نیایش. این روز گرامیداشت آفرینش جهان به دست خدا و نیازمندی کامل به اوست. این روز همچنین یادآور رهایی بنی اسرائیل از بندگی در مصر است (هینلز، ۱۳۸۵: ۴۱۰).

شاهان ساسانی با پیروان مسیحی ساکن در شاهنشاهی ساسانی نیز منابع نظریات مختلفی ارائه کرده‌اند که از جمله به برخورد قهرآمیز یزدگرد یکم و بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ م) با مسیحیان یاد شده است.

در مورد رفتار یزدگرد یکم با مسیحیان اختلاف نظرهایی میان نویسندگان اسلامی و پژوهشگران خارجی وجود دارد. از جمله در تذکره اربیل از یزدگرد یکم و بهرام چهارم به‌عنوان دو پادشاه جنایتکار که روزگار را بر مسیحیان سیاه کرده بودند یاد شده است (فصل ۱۶، ۱۲۷). مسعودی یزدگرد را بدکار معرفی کرده است (۱۳۴۹: ۹۴). ابن‌اثیر از یزدگرد یکم به‌عنوان مردی سختگیر با عیوب فراوان یاد کرده که کارها را از روال خود خارج کرده بود (۱۳۴۹: ۷۰). در مقابل مورخان خارجی یزدگرد یکم را شاهی جوانمرد می‌خوانند و علت اینکه منابع از وی با عنوان بزهکار یاد کرده‌اند در ارتباط با روحانیان زردشتی می‌دانند؛ زیرا یزدگرد یکم در پی آن بود که از نفوذ موبدان و تعصبات آن‌ها بکاهد (پیرنیا، ۱۳۹۸: ۱۹۷-۱۹۸). برخی منابع نیز از آزادی مسیحیان در دوران یزدگرد اول نام می‌برند و آن‌را نشانه سیاست وی در برابر بیزانس برای برقراری صلح و تحکیم ارکان حکومت خود می‌دانند (ولوی و برومند، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

برخلاف آنچه در منابع از تعقیب مسیحیان وجود دارد، ساسانیان سیاست مدارای مذهبی را نیز دنبال می‌کردند. مثلاً در دوره خسرو انوشیروان کشیشان تراز اول اجازه ورود به دربار را داشتند و می‌توانستند درخواست خود را بی‌واسطه به عرض شاه برسانند. در اواخر دوره ساسانیان نیز از آن‌ها به‌عنوان نماینده برای شرکت در مذاکرات با بیزانس (روم) و همچنین به‌عنوان سفیر اعزامی ایران به آن کشور استفاده می‌شد. هزمز چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م) نیز مسیحیان را تکیه‌گاه تاج و تخت می‌دانست و اجلاس اسقف‌ها با مجوز وی تشکیل می‌شد و در مقدمه «صورت‌جلسه‌های شوراها» هرمز با عنوان «شاه شاهان» یا صفاتی چون سرور مهربان، نیرومند، صلح دوست، انسان دوست و فرمانروای کشورها حمد و ستایش شده است (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۶۶). تا پایان سده ۶ میلادی شمار زیادی از درباریان، بازرگانان و صنعتگران ایرانی،

مسیحی شده بودند. با گسترش فعالیت مسیحیان در ایران، بسیاری از مبلغان نستوری برای تبلیغ آیین خود به نواحی مجاور ایران سفر کردند. شاید به همین دلیل بوده که در دوران حکمرانی هرمز چهارم، موبدان زردشتی شاه را تشویق کردند تا فعالیت مسیحیان را محدود کند (خزایی، محمدی، ۱۳۹۸: ۷۸). سیاست‌های اعمال شده از سوی شاپور یکم و شاپور دوم چنانکه ریچارد پین معتقد است، ادغام مسیحیان در شبکه‌های سلطنتی و نظم بخشیدن به جوامع مسیحی در موقعیتی وابسته به شاه شاهان و دربارش بوده است (Payne, ۲۰۱۵: ۴۳).

ب- روحانیت زردشتی

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر وضعیت پیروان سایر ادیان در شاهنشاهی ساسانی نفوذ روحانیت زردشتی در قدرت و پیوند میان دین و دولت است. البته نفوذ روحانیت در همه ادوار حاکمیت ساسانیان یکسان و یا در حال افزایش نبوده است.

یادآوری این نکته ضروری است که از ویژگی‌های بارز جامعه ایران اواخر عهد اشکانی و اوایل دوره ساسانی تنوع مذاهب و آموزه‌های دینی بود، به گونه‌ای که در هر قسمت ایران، اعتقادات و آیین‌های جداگانه رواج داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۴۶۴). چنانکه خاندان اردشیر بنیانگذار سلسله ساسانی بر طبق روایت طبری، متولی آتشکده آناهیتا در استخر فارس بوده‌اند (طبری، ۱۳۵۷: ۲ / ۵۸۰). اگرچه اردشیر یکم به عنوان پایه‌گذار سیاست اتحاد دین و دولت معرفی شده است؛ اما اجرای این سیاست بعد از اردشیر توسط موبدی زردشتی به نام کردیر (کرتیر) انجام گرفته است که در دوره شش پادشاه از (اردشیر تا نرسه) می‌زیسته است (تفضلی، ۱۳۹۸: ۳۱۹). سختگیری و آزار ادیان غیر زردشتی از دوره بهرام دوم و قدرت‌گیری کردیر آغاز شده است. یکی از مهم‌ترین اقدامات کردیر به گفته خود او سرکوب عقاید دینی مخالفان است و در این امر تا جایی پیش می‌رود که علاوه بر سرکوب پیروان ادیان مسیحی، یهودی، مانوی و دیگر آیین‌ها، در از میان برداشتن بدعت‌گذاران دین زردشتی نیز به شدت برخورد

می‌کند. به تعبیر کردیر هر آنچه زردشتی است اورمزدی و از آن ایزدان است صاحب اعتبار و حرمت شد و هر آنچه غیر زردشتی بود اهریمنی و دیوانی است و آسیب و گزند بسیار دید. مبارزه دینی کردیر در دو سو، یکی با ادیان انیرانی و دیگری با بدعت‌ها در دینی زردشتی بود (نصرالله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۹). در بندهای (۹-۱۰) کتیبه کردیر در کعبه زردشت چنین آمده است:

« و یهود و شمن و برهمن و نصارا و کریستیان و مغتسله و زندیق در شهر زده شدند و بت‌ها شکسته شدند و لانه دیوان ویران شد. » (Sprongling, ۱۹۵۳: ۴۹)؛
 ؛ عریان، ۱۳۸۲: ۱۹۲). منظور از نصارا (مسیحیان بومی) و کریستان (مسیحیان یونانی زبان بودند) ولوی، برومند، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

با وجود اینکه در کتیبه کردیر به سرکوبی پیروان ادیان غیر زردشتی اشاره شده نمی‌توان قاطعانه گفت آزار و کشتار مسیحیان و یهودیان در عمل نیز به وقوع پیوسته است. اغلب برخوردهای حکومت ساسانی با مسیحیان دست‌کم در اوایل این دوران مربوط به کسانی بود که نه تنها از دین زردشتی برگشته و به مسیحیت گرویده بودند، بلکه با اهانت به مقدسات زردشتی باعث برانگیختن خشم موبدان می‌شدند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۷۰). طبق گزارش‌ها هدف موبدان زردشتی از میان برداشتن مسیحیان بود، چرا که تهدیدی برای دین، جامعه و ساختارهای سیاسی ایران محسوب می‌شدند (Payne, ۲۰۱۵: ۳۸). در مورد آزار یهودیان نیز نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت زیرا در تلمود هیچ نکته‌ای در مورد آزار یهودیان ذکر نشده است (جلالی مقدم، ۱۳۹۳ ب: ۷/۴) و برخلاف ادعای کرتیر، در منابع یهودی تا قرن پنجم اثری از فشار و آزار یهودیان نیست (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۶۴).

بنابر این اگر هم ادعای کردیر، درست بوده باشد، گویای آن است که دست کم تا آن زمان آزادی دینی وجود داشت و پیروان دین‌های مختلف در باورها و نیز انجام آداب دینی آزاد بودند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۶۵). از طرفی بیشتر پژوهشگران امروزه براین

باورند که در سده سوم میلادی دین زردشتی هنوز به صورت نظام‌مند بر مسائل سیاسی تأثیرگذار نشده بود (payne, ۲۰۱۵: ۲۴). به هر حال حضور کردیر و فعالیت‌ها و اختیارات وی تغییرات بنیادی در روحانیت زردشتی ایجاد کرد که تا پایان دوره ساسانی ادامه داشت (تفضلی، ۱۳۹۸: ۳۲۷). در نتیجه تلاش‌های کردیر، نهاد دینی زردشتی قدرت بسیار یافت و به‌ویژه در دوره‌های ضعف حکومت، در اغلب امور کشور تأثیرگذار شد. این قدرت فزاینده نهاد دین و روحانیان گاه با اقدامات بازدارنده شاهان قدرتمندتر مهار می‌شد؛ از جمله شاپور یکم، یزدگرد یکم و کواد (۴۹۶-۴۸۸م) که به ترتیب با حمایت از جریان‌های مقابل دین زردشتی، مانند دین مانی، مسیحیت و جنبش مزدک، کوشیدند از گسترش نفوذ و قدرت روحانیت زردشتی بکاهند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۷۶). با توجه به موارد یاد شده می‌توان نتیجه گرفت روحانیت زردشتی در زمان اردشیر یکم، شاپور یکم و هرمزد یکم نقشی مستقل نداشته است و در زمان بهرام یکم و نرسی (۳۰۲-۲۹۳م) نیز نقشی محدود داشته است. در زمان بهرام دوم، هرمزد دوم و شاپور دوم به‌نظر می‌رسد بنا به دلایلی شاه مجبور به همکاری با روحانیون می‌شود (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۶۱). براساس یک نظریه سنتی در روزگار شاپور دوم، دین زردشتی نقش سیاسی پر رنگی پیدا کرد، از این‌رو موبدان وجود مسیحیان را برنتافتند (زرین‌کوب، قهرمانی، ۱۳۹۷ الف: ۸۰-۸۱). در زمان به قدرت رسیدن بهرام دوم نیز جنگ‌های داخلی و خارجی یکی از دلایل همکاری وی با روحانیت و اشراف بوده است (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۶۱). البته در مواردی نیز شاهان ساسانی در برابر خواسته روحانیون زردشتی مقاومت نشان داده‌اند. طبری به سیاست دینی هرمزد چهارم اشاره کرده است و می‌گوید هیربدان طی نامه‌ای به شاه خواستار نابودی مسیحیان شدند. هرمزد در پاسخ نوشت:

« چنانکه تخت ما به دوپایه پیشین قوام نگیرد و دو پایه پسین نیز باید، پادشاهی ما نیز با تباه کردن نصارا و پیروان دین‌های دیگر که به دیار ما جای دارند استوار نشود. از ستم با نصارا دست بردارید و به کارهای نیک پردازید تا نصارا و اهل

دین‌های دیگر ببینند و شما را سپاس کنند و به دین‌تان راغب شوند.» (۱۳۵۷: ۲/ ۷۲۵)

برخی منابع تعصب دینی موبدان زردشتی را عامل اصلی رنج پیروان سایر ادیان می‌دانند. تذکره اربیل از مغها به عنوان سلاخ یاد کرده است و می‌گوید گاه خود موبدان شکنجه مسیحیان را بر عهده می‌گرفتند (فصل ۱۲: ۱۰۷). همچنین می‌افزاید موبدان اختیارات زیادی داشتند، از جمله برای دستگیری کشیشان عده‌ای را مأمور پیدا کردن آن‌ها می‌کردند و سپس دستور شکنجه‌های بی‌رحمانه را صادر می‌کردند (فصل ۱۳: ۱۱۲). در مورد علل دشمنی یهودیان و روحانیون زردشتی نیز دلایلی برشمرده شده است که عمده‌ترین آن به واسطه قرار گرفتن روحانیون زردشتی در مقام قضاوت بود. یهودیان به همین خاطر از روحانیون زردشتی متنفر بودند و به آن‌ها لقب هابارش^۱ می‌دادند (ویدن‌گرن، ۱۳۸۴: ۴۹). تاریخ بی‌نام سریانی نیز تأکید دارد که موقعیت روحانیون مسیحی در دوره خسرو دوم و امتیازاتی که کسب کرده بودند موجب رشک و حسد موبدان گشته بود. از جمله این امتیازات، ذکر دعا و تبرک خوراک خسرو بود (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۶۷). کریستن‌سن به تعصب روحانیون زردشتی و عدم انعطاف آن‌ها در برابر سایر ادیان اشاره می‌کند؛ اما معتقد است تعصب روحانیون بیشتر، مبتنی بر علل سیاسی بود، زیرا دین زردشتی دین تبلیغی نبود و متولیان آن ادعای نجات و رستگاری مردم را نداشتند، اما روحانیون در داخل کشور مدعی تسلط تام و مطلق بودند و پیروان سایر ادیان را که رعیت ایران به شمار می‌آمدند مورد اعتماد قرار نمی‌دادند (کریستن‌سن، ۱۳۹۵: ۱۷۲). ذکر این نکته لازم است که رفتار شاهان ساسانی با پیروان ادیان دیگر ماهیتی سیاسی داشت ولی رفتارشان با روحانیت زردشتی ماهیتی مذهبی داشت. دیده می‌شود در زمان‌هایی که گزارش‌های

^۱ abbarsh

لغت ایرانی در تلمود به معنی جادوگر

بیشتری از آزار پیروان ادیان دیگر وجود دارد این دو هدف سیاسی و مذهبی باهم تقارن ایجاد کرده و شاه و روحانیت همسو شده‌اند (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

پ- امپراتوری روم و تنش های درونی

برآمدن سلسله ساسانی که بر تحکیم و تمرکز قدرت در داخل استوار بود شکافی در روابط خارجی با روم ایجاد کرد؛ زیرا مدتی پس از به قدرت رسیدن اردشیر اول، بخش‌های وسیعی از نیمه شرقی امپراتوری روم در معرض تهدید قرارگرفت و از همان ابتدا روم دولت ساسانی را حریفی جدی برای خود به حساب آورد (ویتتر، دیگناس، ۱۳۸۶: ۹). یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوره ساسانی به وقوع پیوست پذیرفتن مسیحیت توسط کنستانتین امپراتور روم شرقی است که معاصر با شاپور دوم ساسانی است. کنستانتین خود را حامی همه مسیحیان معرفی کرد. این رویداد نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و دینی جهان باستان شد و در پی شدیدتر شدن رقابت این دو حکومت بزرگ جهان آن روزگار، وضعیت پیروان دین‌های مورد حمایت هر حکومت در خاک دیگری نیز، تغییر چشمگیری یافت و ظاهراً دوره تازه‌ای از مشکلات مسیحیان ایران آغاز شد (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۷۰). چرا که تماس‌های میان روحانیان مسیحی شرق و غرب افزایش یافت، مسأله‌ای که از دید دستگاه دینی زردشتی پنهان نمی‌ماند. گرایش به آیین مسیحی نخست در میان ارمنیان شکل گرفت و سپس فرمانروایان رومی به آیین مسیحی گرویدند که این امر موجب هراس ساسانیان از نافرمانی‌ها در میان فرودستان مسیحی شد (فرای، ۱۳۸۸: ۴۹۵). در واقع تا زمانی که مسیحیان در امپراتوری روم مورد تعدی قرار می‌گرفتند، پادشاهان ساسانی به امید پشتیبانی ایشان در جنگ با رومیان، آن‌ها را با میل و رغبت می‌پذیرفتند ولی هنگامی که مسیحیت دین رسمی شد، مورد بی‌مهری شاهان ساسانی قرار گرفتند و در عوض یهودیان که مخالف کلیسای رسمی بودند، مورد عنایت پادشاه واقع شدند (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۲۹۶). از طرفی چون یهودیان در زمان معین مالیات‌های خود را

پرداخت می‌کردند و به علاوه در جنگ‌های دولت علیه روم از ساسانیان حمایت می‌کردند، در نتیجه حکومت هم آن‌ها را به حال خود واگذارده بود (نیوسنر، ۱۳۹۸: ۳۴۲). از دیگر عوامل تأثیرگذار بر وضعیت مسیحیان و یهودیان ساسانی تنش‌ها و اختلافات درونی این جوامع است. چنانکه در پایان سده سوم میلادی جامعه مسیحیان شاهنشاهی ساسانی بر سر مسأله سازمانی کلیسا دچار تنش شده بود، یعنی اختلاف بر سر اینکه اسقف (مطران) سلوکیه- تیسفون بر سایر اسقفان امپراتوری برتری داشته باشد یا نه. علت این نزاع، جاه طلبی‌های شخصی و دشمنی‌ها بود تا ملاحظات تاریخی یا مسائل اداری و قانونی کلیسایی. نتیجه نیز آن شد که یک اسقف در شاهنشاهی بر دیگران ریاست داشته باشد که به دنبال آن وضعیت سیاسی جدیدی برای مسیحیان ایران پدید آمد (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۴۹). در نهایت نیز مسیحیان در زمان بهرام پنجم با تلاش و جلب نظر شاه ساسانی موفق شدند کلیسای ملی تشکیل دهند و توسل به کلیسای غرب ملغی شد؛ به گونه‌ای که جاثلیق شرق فقط در برابر مسیح پاسخگو قلمداد می‌شد. بدین ترتیب کلیسای ایران از کلیساهای روم، قسطنطنیه، اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم جدا شد و انگیزه این اقدام، نه سیاسی، بلکه مذهبی بود (جلالی مقدم، ۱۳۹۳ الف: ۴/ ۷۳۳). از دلایل این جهت‌گیری، تأثیرگذاری مسیحیان ایرانی بود که در محیط زردشتی رشد کرده و به دین مسیحی درآمده بودند. از رویدادهای دیگر پس از استقلال کلیسای ایران، رسمی کردن آیین نستوری به عنوان کیش رسمی ایرانیان مسیحی بود که منجر به جدایی کلیسای ایران از روم شد. نکته قابل توجه این است که شاهان ساسانی نسبت به این اقدامات تمایل نشان می‌دادند و مسیحیان را در این جهت حمایت می‌کردند. چنانکه پیروز مایل بود با قطع رابطه مسیحیان ایران با روم، وفاداری آنان نسبت به پادشاه بیشتر شود (همان: ۷۳۶).

ج- دشمنی میان پیروان ادیان

از عواملی که وضعیت پیروان ادیان ساکن در شاهنشاهی ساسانی را تحت تأثیر قرار داده است دشمنی و رقابت میان آن‌ها است؛ به گونه‌ای که موجب می‌شد گاهی پیروان

هر یک از ادیان علیه گروه دیگر متحد شوند. چنانکه در دهه‌های اول روی کار آمدن ساسانیان نشر سریع دین مانی در ایران و روم شرقی برای دین‌های یهودی و مسیحی و زردشتی رقیبی سخت و برای دولت‌های ایران و روم خطری جدی به‌شمار می‌آمد. زیرا دین مانی ادعای جهانگیری داشت و اصول اعتقادی این دین در تقابل با ادیان دیگر بود. در نتیجه عیسویان، یهودیان و زردشتیان دشمنان سرسخت و آشکار مانویت شدند (شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۲۴). مانویت، یهود را طرد می‌کرد و انبیای بنی اسرائیل را شیطان می‌دانست (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۳۸۱). این وضعیت در مورد دین مسیحی نیز وجود داشته است. منابع ارمنی به نقش مؤثر یهودیان و مانویان در سرکوب مسیحیان اشاره کرده‌اند، چرا که یهودیان و مانویان دشمنان مسیح بودند (وقایع نامه آربلا، فصل ۱۳۹۰؛ ۱۲: ۱۰۴). پیروان آیین زردشتی نیز علیه مسیحیان فعالیت داشتند، چنانکه در دوره شاپور یکم مغان برای نابودی افکار و پایگاه‌های مسیحیت به یهودیان کمک می‌کردند (معیری، ۱۳۸۱: ۱۵۱). مسیحیان نیز در تقابل با زردشتیان در پی کسب مقام و موقعیت در دربار ساسانی بودند.

در سده ششم میلادی که موبد موبدان جایگاه خود را در فهرست مقامات حکومتی از دست داد و در جایگاهی پس از اشراف و اعیان عالی‌رتبه قرار گرفت، مسیحیان تحت تعقیب، در رقابت پیروزمندانه‌ای با زردشتیان قرار گرفتند و حتی اسقف آن‌ها به دربار راه‌یافت (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۶۴). امضای دوتن از افرادی که به مقام فرماندهی در ارتش ایران دست یافتند در پای یکی از صورت‌جلسه‌های شوراها ی مسیحیان، گواه عمق نفوذ مسیحیان در محافل ایران است (همان: ۱۶۷).

از دیگر موارد دشمنی میان پیروان ادیان به دشمنی یهودیان و مسیحیان بایستی اشاره کرد. سبئوس مورخ ارمنی، به نقش یهودیان در فتح بیت‌المقدس در دوره خسرو پرویز اشاره کرده است. وی ضمن اشاره به پررنگ بودن نقش یهودیان در تسلیم شهرهای فلسطین به درگیری آن‌ها با مسیحیان شهر و همکاری یهودیان با سپاه ایرانی در فتح بیت‌المقدس اشاره دارد. با وجود مبالغات زیاد در گزارش‌های منابع مسیحی، اما این نکته روشن می‌شود که دشمنی‌های شدیدی میان اقلیت یهودی بیت‌المقدس با

مسیحیان وجود داشته است و یهودیان این فرصت را به عنوان نوعی تسویه حساب غنیمت شمرده‌اند. با این حال، ظاهراً زیاده‌روی یهودیان در این اقدام، موجب خشم خسرو پرویز نسبت به برخی از آنان نیز شد (زرین کوب، قهرمانی، ۱۳۹۷: ب: ۷۳-۷۴).

بنابر گزارش رویدادنامه خوزستان، پس از فتح بیت‌المقدس یهودیان کلیساهای شهر را به آتش کشیدند و با تحریک کردن و ارائه اخبار غیرواقعی به شهربراز فرمانده سپاه ایران سعی در تخریب مقبره حضرت عیسی داشتند. اما شهربراز متوجه حيله آنها شد و ایشان را از بیت‌المقدس بیرون کرد. پس از گزارش این اخبار توسط یکی از صاحب‌منصبان مسیحی دربار به خسرو پرویز، او ثروت آنها را توقیف و خودشان را مصلوب کرد (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۸۲؛ بخش ۱۰-۸۲). موضوع مجازات یهودیان به دستور خسرو پرویز، توسط سبئوس نیز گزارش شده است. براساس این گزارش خسرو پرویز دستور داد بر اسیران مسیحی ترحم داشته باشند، شهر را بازسازی کنند، اهالی را براساس مقامشان دوباره در شهر سکونت دهند و یهودیان را از شهر اخراج کنند (سبئوس، ۱۳۹۶: ۱۶۷). در واکاوی دشمنی میان پیروان ادیان مختلف دلایل مختلفی را می‌توان برشمرد که مهم‌ترین آنها وجود اختلاف در مسایل دینی و در جهان‌بینی هر یک از ادیان است. در واقع بسیاری از مواقع عناد پیروان ادیان دیگر با زردشتیان به واسطه وجود تفاوت‌ها در بینش و کنش دینی، سبب واکنش قهرآمیز زردشتیان ساسانی می‌شد. به‌عنوان مثال مسیحیان به دنبال زندگی آن جهانی بودند و به نوعی تارک دنیا ولی دین زردشت بیشتر این جهانی بود. در الهیات دینی نیز بین زردشتیان و یهودیان اختلاف نظر وجود داشت مثل پرسش و پاسخ یک مغی از یک ربی در مورد فلسفه آفرینش جانوران موذی که ربی علت را برای شفای مردمان عنوان می‌کند که در واقع جواب قانع‌کننده‌ای نیست (بویس، ۱۳۹۱: ۱۵۱). اختلافات ملکی و مالی و مشارکت در برخی فعالیت‌های اجتماعی نیز گاه سبب بروز اختلاف بین پیروان مذاهب می‌شد. به‌عنوان مثال برای روشن نگاه داشتن آتش‌های اصلی مثل آتش بهرام، نیاز به سوخت فراوان بود. مری بویس به سندی اشاره می‌کند که یک یهودی، یک ربی را سرزنش می‌کند که چرا جنگلی که متعلق به او بوده را به آتشکده فروخته‌است (همان: ۱۷۲).

د- اقتصاد و مالیات

یهودیان و مسیحیان در فعالیت‌های اقتصادی جامعه ساسانی نقش داشتند و علاوه بر اینکه مشاغل مختلفی را برعهده داشتند، تأمین کننده بخشی از نیازهای مالی دولت از طریق پرداخت مالیات بودند. در این دوره برخی از مشاغل به‌طور انحصاری در اختیار این گروه‌ها قرار داشت.

باتوجه به دیدگاه منفی که در دیانت زردشتی نسبت به حرفه تجارت و صنعتگری وجود داشت زردشتیان به این گونه پیشه‌ها کمتر روی می‌آوردند، از این‌رو، این مشاغل در میان پیروان ادیان غیر زردشتی یا قومی چون سغدیان، مسیحیان، یهودیان یا اسیران جنگی گسترش یافت. حتی در زمان شاپوریکم گروهی از یهودیان که در شهرهای ارمنستان سکونت داشتند و به تجارت و صنعت مشغول بودند به اجبار به ایران منتقل شدند تا مبادلات بین آسیا و غرب به وسیله آنان در داخل ایران تمرکز یابد و بدین وسیله تحولی در صنعت و بازرگانی به وجود آید (پاسدروماجیان، ۱۳۶۹: ۱۲۶). در سده ۶ م مسیحیت در میان پیشه‌وران و بازرگانان نفوذ یافت، به‌گونه‌ای که گروه کثیری از پیشه‌وران و بازرگانان مسیحی بودند و به مرور زمان جمعیت‌شان بیشتر نیز می‌شد (رضا، ۱۳۸۱: ۷۶۳). مراکز اقتصادی مهمی چون نصیبین، اربل، تیسفون، جندی شاپور، اجتماعات متعدد و همچنین روحانیون مسیحی، همه تحت نظارت اسقف‌ها بودند. در زیر صورت جلسه‌های شورای سال ۵۴۴ م مسیحیان به ریاست مارآبای اول، بطریق نستوری، امضای برخی نجبا و اشراف از جمله وردایاب (رئیس پیشه‌وران)، کاروگبد^۱ یارئیس صنعتگران یا ارشد کارگران به چشم می‌خورد. البته تاجران و بازرگانان مسیحی در همه صنوف نمایندگانی داشتند که در امور شهری تأثیرگذار بودند (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۶۵). بنابراین وجود گروه کثیری از مسیحیان در جامعه ایرانی ایجاب می‌کرد که دولت ساسانی از دیدگاه سیاسی به مسیحیت توجه بیشتری مبذول دارد (رضا، ۱۳۸۱: ۷۶۳). یهودیان نیز در چرخه

رئیس کارگران سلطنتی در دربار ساسانیان

^۱ -Karugbadh

اقتصادی فعالیت داشتند. تمکن مالی یهودیان، امتیاز ویژه‌ای برای آن‌ها محسوب می‌شد، به طوری که هنگام جنگ‌های ایران و روم که بسیار پر هزینه بود، یهودیان متمول به شاه وام می‌دادند. از این رو در برابر آزار موبدان، مورد حمایت شاه قرار می‌گرفتند (ویدن‌گرن، ۱۳۸۴: ۴۹). بخشی از مشارکت اقتصادی اقلیت‌های دینی پرداخت مالیات بود. پرداخت مالیات به‌ویژه در برهه‌هایی که ساسانیان با امپراتوری روم در جنگ بودند نقش بسیار حیاتی برای دولت داشت و چنانچه این جوامع از پرداخت آن سر باز می‌زدند مورد بازخواست قرار می‌گرفتند. در شهرهایی که اکثر ساکنان آن مسیحی بودند رئیس روحانی آن‌ها واسطه بین پادشاه و مردم بود و از مسیحیان مالیات می‌گرفت و به خزانه می‌پرداخت. هم‌مین سیستم در شهرهایی که ساکنان یهودی هم داشتند، اجرا می‌شد (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۳۲۰). مالیات جمع‌آوری شده توسط اسقف اعظم که مقرش در تیسفون بود به دولت ساسانی پرداخت می‌شد (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۳۵۳-۳۵۲، ۳۴۳-۳۴۴).

نظام مالیاتی که در دوره خسرو اول بنیان نهاده شد و تا فتح اعراب پا برجا بود، تا حد زیادی از نظام مالیاتی بیزانس اقتباس شده بود (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۵۱). در دوره اول حکومت ساسانی یهودیان نیز در مواردی که قصد شانه خالی کردن از زیر بار مالیات داشتند تحت فشار قرار می‌گرفتند (کریستن‌سن، ۱۳۹۵: ۱۹۴). پرداخت مالیات آن‌قدر اهمیت داشت که در مواردی عاملی برای سرکوب‌های خونین شده است. مثلاً در دوره شاپور دوم امتناع اسقف‌های مسیحی از پرداخت مالیات به دولت ساسانی از عواملی است که مجوزی برای آزار و اذیت مسیحیان صادر کرد (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۵۰). اگرچه برخی منابع علت این سرکوبی را مقابله با دین مسیحیت قلمداد کرده‌اند، به نظر می‌رسد مشکلی که بین شاپور دوم و برخی رهبران مسیحی به وجود آمده بود ریشه اقتصادی داشت (زرین‌کوب، قهرمانی، ۱۳۹۷ الف: ۹۱). هدف شاپور دوم در اصرار بر اینکه اسقف‌های مسیحی در گردآوری مالیات جامعه مسیحی مشارکت کنند، از طرفی توسعه ساختارهای مالی سلطنتی با کمک آن‌ها بود و از سوی دیگر استفاده از قدرت سازمانی آن‌ها در دو منطقه بین‌النهرین و خوزستان که از نظر اقتصادی دارای بیشترین اهمیت برای دربار ساسانی بودند تا درآمد دربار را با

توجه به پیش‌بینی جنگ با روم به حداکثر برساند. خسرو اول نیز برای وضع و اجرای اصلاحاتش در زمینه سیستم مالی در قرن ششم به مراجع دینی تکیه داشت. به‌طور کلی پرداخت به موقع مالیات یکی از مسائل تأثیرگذار در نوع برخورد شاهان ساسانی با پیروان ادیان غیر زردشتی محسوب می‌شده است.

نتیجه

سیاست ساسانیان نسبت به ادیان و گرایش‌های مذهبی از سیاست خارجی و مسائل داخلی تبعیت می‌کرد، به‌گونه‌ای که رفتار حاکمیت در همه ادوار از یک الگو پیروی نمی‌کرده است. گرایش‌های مذهبی شاهان ساسانی، پیروی از سیاست تسامح و تساهل دینی یا تعصب و راست‌کیشی برخی از شاهان، قدرت‌گیری روحانیت زردشتی آمیخته با تعصب دینی، رقابت میان پیروان ادیان مختلف جهت نیل به قدرت، عوامل مالی و امپراتوری روم شرقی و رسمیت یافتن مسیحیت در این سرزمین را که به عنوان دشمن و رقیب دیرینه ایران بود می‌توان از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت اقلیت‌های دینی ساکن در مرزهای ساسانی برشمرد. در میان عوامل یاد شده رسمی شدن مذهب زردشتی و تعصب برخی شاهان و روحانیان زردشتی مورد تأکید بیشتر نویسندگان قرار گرفته است در حالی که تحلیل‌های جدید براین باور است که روحانیت زردشتی همواره در رأس هرم قدرت قرار نداشته است و رفتار شاهان ساسانی بیشتر بر ملاحظات سیاسی استوار بود تا گرایش‌های دینی. بررسی‌ها بیانگر آن است که با توجه به نقشی که یهودیان و مسیحیان در فعالیت‌های جامعه ساسانی داشتند و نیز تأمین‌کننده بخشی از منابع مالیاتی حکومت به شمار می‌آمدند، همواره مورد توجه حکومت بودند. به‌طور کلی زردشتیان در میان ادیان غیر زردشتی ساکن در شاهنشاهی ساسانی روابط بهتری با یهودیان داشتند. البته نقش تبلیغات دینی نیز در رفتار متغیر ساسانیان با ایشان موثر بوده است. یهودیان با رومی‌ها به سبب گرایش به مسیحیت دشمن بودند، از طرفی رومی‌ها دشمن اصلی ساسانیان به حساب می‌آمدند، این دشمنی مشترک عاملی برای همکاری یهودیان با ساسانیان علیه رومی‌ها بود که در نهایت سبب حمایت شاهان ساسانی از

یهودیان بود. کاستی منابع و سرشت یک‌سویه همراه با تعصب، به‌ویژه در مورد گزارش‌های متعصبان مسیحی، از محدودیت‌هایی است که در بررسی وضعیت پیروان ادیان بایستی در نظر گرفته شود.

کتاب نامه

- ابن اثیر، عزالدین، *اخبار ایران از الکامل ابن اثیر*، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹
- بویس، مری، *زردشتیان (باورها و آداب دینی آنها)*، ترجمه عسکر بهرامی، چاپ دوازدهم، تهران، ققنوس، ۱۳۹۱
- بهرامی، عسکر، *ایران زمین روزگار باستان*، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۹
- پاسدرماجیان، هراند، *تاریخ ارمنستان*، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوم، زرین، ۱۳۶۹
- پیرنیا، حسن، *تاریخ کامل ایران (ایران قبل از اسلام)*، چاپ یازدهم، تهران، نگاه، ۱۳۹۸
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا، *ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی*، ترجمه کامبیز میربهاء، چاپ دوم، تهران، ققنوس، ۱۳۹۴.
- -----،-----، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷
- *تاریخ سبئوس (برپایه ترجمه آردبلیو. تامسون و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان)*، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، چاپ اول، تهران، ققنوس، ۱۳۹۶
- تذکره اربیل (وقایع‌نامه آربلا)، متن کهن اثر مؤلف ناشناس، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۰

- تفضلی، احمد «کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی»،
مقالات احمد تفضلی، گردآورنده ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۹۸
- جاماسب آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی، متن‌های پهلوی، پژوهش
سعید عریان، تهران، علمی، ۱۳۹۱
- جلالی مقدم، مسعود، «دین مسیحی در ایران باستان»، تاریخ جامع ایران،
جلد ۴، تهران، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳/الف
- جلالی مقدم، مسعود، «دین یهودی در ایران باستان»، تاریخ جامع ایران،
جلد ۴، تهران، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳/ب
- خزایی، سهم‌الدین و حسین محمدی، «مسیحیت از ورود به ایران تا انتقال به
چین»، تمدن ایرانی، شماره ۳، ۸۹-۵۹، ۱۳۹۸
- دیاکونوف، میخائیل، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، چاپ ششم،
تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰
- راهنمای کتبی‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)، پژوهش سعید عریان، چ ۱،
تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲
- رجبی، پرویز، هزاره‌های گمشده، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، توس،
۱۳۸۷
- رضا، عنایت‌الله، «سیاست دینی خسرو دوم»، ایران‌شناسی، دوره جدید،
سال ۱۴، شماره ۵۶، ۷۶۱-۷۷۸، زمستان ۱۳۸۱
- رضی، هاشم، آیین مغان (پژوهشی درباره دین‌های ایرانی)، چاپ سوم،
تهران، سخن، ۱۳۹۰
- رویدادنامه سریانی موسوم به رویدادنامه خوزستان (روایتی از آخرین
سال‌های پادشاهی ساسانی)، ترجمه و تعلیقات خداداد رضاخانی و سجاد
امیری باوندپور، تهران، سینا، ۱۳۹۵

- زرین کوب، روزبه و جمشید قهرمانی، «افسانه پیگردهای دینی بزرگ در روزگار شاپور دوم» پژوهش‌های علوم تاریخی، سال دهم، شماره دوم، ۷۹-۹۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷/الف
- زرین کوب، روزبه و جمشید قهرمانی، «وضعیت و نقش سیاسی یهودیان در روزگار خسرو پرویز»، ادیان و عرفان، سال پنجاه و یکم، شماره یکم، ۸۷-۶۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷/ب
- شهبازی، علیرضا شاپور، تاریخ ساسانیان، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۸
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، تهران، اساطیر، ۱۳۵۷
- فرای، ریچارد نلسون، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸
- کریستن‌سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ نهم، تهران، صدای معاصر، ۱۳۹۵
- گلزار، سید سعید، اقلیت‌های دینی در دوران ساسانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱
- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ هفدهم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵
- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹
- معیری، هایده، مغان در تاریخ باستان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱

- تنصر، آمنون، «شاهان ساسانی در تلمود، شاپور یکم، شاپور دوم و یزدگرد»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۷۸، ۲۴-۹، ۱۳۵۱
- نصرالله‌زاده، سیروس، نام تبار شناسی ساسانیان از آغاز تا هرمز دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۴
- نیوسنر، جیکوب، «یهودیان در ایران»، تاریخ ایران کمبریج، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، بخش دوم، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳
- ولوی، علی محمد و صفورا برومند، «دربار ساسانی و مسیحیان: مدارا یا تعصب»، تاریخ ایران، شماره ۶۲/۵، ۱۳۱-۱۵۲، ۱۳۸۸
- ویدن گرن، گئو، «یهودیان در امپراتوری ساسانی»، فرزندان استر (مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران)، ترجمه مهرناز نصیری، به کوشش هومن سرشار، تهران، کارنگ، ۱۳۸۴
- ویسهوفر، یوزف، ایران باستان (از ۵۵۰ پ.م تا ۶۵۰ م)، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ یازدهم، تهران، ققنوس، ۱۳۹۰
- ویتتر، انگلبرت و بئاته دیگناس، روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ سوم، تهران، فرزانه روز، ۱۳۹۸
- هینلز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه ع. پاشایی، قم، مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵
- یاور، نگین، «تاثیر متقابل اسلام و یهودیت»، فرزندان استر (مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران)، ترجمه مهرناز نصیری، به کوشش هومن سرشار، تهران، کارنگ، ۱۳۸۴

- -Daryaee, Touraj, *Sasanian Persia, the rise and fall of an empire*, I.B Tauris & Co , LTd , ۲۰۰۹
- -Sprengling, M, *Third Century IRAN Sapor and Kartir*, prepared and distributed at the oriental institute university of Chicago, ۱۹۵۳
- -Payne, Richard, E., *A state of Mixture, Christians, Zoroastrians, and Iranian political culture in Late Antiquity*, University of California Press, ۲۰۱۵